

«دیوار چین» وجود ندارد!

(تهیه و ترتیب از ع . ق . فضلی)

ژاوشیانگ، صدراعظم چین در پایان سفر خود به ایالات متحده آمریکا طی سخنرانی در انجمن سیاست خارجی آمریکا اظهار داشت که هر دو جانب در مورد افغانستان و کمپوچیا کاملاً تشابه نظر دارند.

این همنوایی و تشابه نظر چیز تازه و دستاورد «سفر تاریخی» ژاوشیانگ نیست. رهبران پیکینگ چندین دهه است که در وجود امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم ایالات متحده آمریکا متحد خود را در راه رسیدن به اهداف عظمت طلبانه یافته اند. ولی آنها در آغاز دهه هفتاد شروع کردند تا با بی شرمی تمام اشکارا از نیرو های جنگ طلب امپریالیستی و محافل ارتجاعی در هر گوشه و کنار جهان پشتیبانی نمایند، علیه جنبش های انقلابی در آسیا، افریقا و امریکای لاتین موضع بگیرند، از جلا د مردم چیلی، پینوچت، از ارتجاع فاشیستی ساموزا در نیکاراگوا، از ضد انقلابیون انگولا، از دارودسته خون اشام پولپوت، از زد و بند ایالات متحده آمریکا با مصر بر ضد خلقهای عرب فلسطین و از ضد انقلاب افغانستان حمایت کنند.

و اما در مورد افغانستان پس از پیروزی انقلاب ثور، زمانی که اتحاد نامقدس نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی در مقابله با انقلاب افغانستان به وجود آمد، هژمونیت های پیکینگ با عیش، تلاش و تقلایی که داشتند، در صف دوم مجریان جنگ اعلام نشده علیه افغانستان انقلابی قرار گرفتند. اگر ایالات متحده آمریکا محموله های بزرگ اسلحه را به ضد انقلاب افغانستان فرستاد، چین راکت های ضد تانک به آن افزود، اگر واشنگتن سی.ای.ای را موظف به سازماندهی جنگ اعلام نشده، ایجاد کمپ های تربیه ضد انقلابیون و تعمیل عملیات خرابکارانه در داخل جمهوری دموکراتیک افغانستان نمود، پیکینگ به سازمان استخباراتی خود دستور داد تا در «تشابه نظر» و همکاری نزدیک با سی.ای.ای در سرحدات افغانستان- چین تحریکاتی را به راه اندازد و برخورد های شدیدی را موجب شود. سازمان جاسوسی چین در اوایل تعلیمات نظامی به باند های ضد انقلابی در خاک چین آغاز کرد. بعداً که همکاری چین با پاکستان جهت تسلیح و تربیت مرتجعین افغانی هماهنگ تر شد،

جاسوسان چینیایی همدوش با سی.ای.ای در کمپ های واقع در سرحدات افغانستان در پشاور دست بکار شدند.

یکی از گروههای خاصی که سپس می بایست در افغانستان وارد عمل شوند تا گروه های مسلح را ایجاد کنند، به مصرف چین و ایالات متحده امریکا در یکی از گارنیزیون های پاکستان آموزش نظامی دیدند. کارمندان استخبارات چین گروه های تروریستی را به وجود آوردند. پیکینگ عناصر مختلف ناسیونالیستی و بخصوص مائویستی را به منظور اجرای عملیات تخریبی تمویل، تسلیح و تحریک میکرد. جواسیس چینیایی کار خود را در میان گروههای مائویستی در افغانستان که با ارتجاعی ترین حلقه ها همکاری نزدیک دارند، افزایش دادند. بنابر خواست گلبدین و برهان الدین ربانی، مقامات چینیایی چند صد تن از عناصر ضد انقلاب افغانستان را برای آموزش فعالیتهای تخریبی در کورسهای مخصوص پذیرفتند.

شاهراه قراقرم به شاهرگ اکمالات و تمویل ضد انقلاب افغانستان میدل گشت. اگر ایالات متحده امریکا با بوق بلند و دروغین تبلیغاتی نغمه «اشغال افغانستان» را سر داد، کرنای تبلیغات خصمانه چین مکمل آن شد. اگر وزیر خارجه و وزیر دفاع ایالات متحده امریکا به پاکستان سفر کرد، از کمپ های تربیه ضد انقلابیون افغانی دیدن نمود و به اشرار وعده دالر بیشتر و سلاح بیشتر داد، ناگوار می بود اگر وزیر خارجه و وزیر دفاع چین از ضد انقلاب افغانستان نسبت ضربات مرگباری که بر آن وارد شده است دلجویی نمیکرد و وعده های کمک نظامی نمی داد.

از اینگونه نمونه ها زیاد است.

آنچه روشن است اینست که بین ایالات متحده امریکا و جمهوری خلق چین دیگر «دیوار چین» وجود ندارد. آنها نه تنها در خصوص مسایل اطراف افغانستان و قضایای کمپوچیا مشترکاً عمل میکنند، بلکه در عرصه بین المللی نیز «تشابه نظر» دارند.

روزنامه «حقیقت انقلاب ثور»، سه شنبه ۴ دلو ۱۳۶۲ مطابق ۲۴ جنوری ۱۹۸۴

تهیه و ترتیب از ع . ق . فضلی

۲۰ نوامبر ۲۰۱۵

www.esalat.org